

تدابیر عام پیشگیری از بزهدیدگی از منظر قرآن و روایات اسلامی

محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی*
ریحانه بهارلویی**

چکیده

بزهدیده‌شناسی و به خصوص پیشگیری از بزهدیدگی، از مهم‌ترین مباحث جرم‌شناسی است که از منظر دینی نیز می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. آیات قرآن کریم و روایات منقول از ائمه معصوم با توجه به علل وقوع بزهدیدگی، به ارائه تدابیری پرداخته‌اند که کاربست آنها می‌تواند برای همه افراد جامعه و نه فقط گروهی خاص، پیشگیری از وقوع گونه‌های مختلف بزهدیدگی جسمی، جنسی، مالی، عاطفی و حیثیتی را به دنبال داشته باشد. در نوشتار حاضر، این تدابیر را ذیل عنوان تدابیر عام بررسی خواهیم کرد. آموزه‌های اسلامی و به خصوص توصیه‌ها و رهنمودهای قرآنی، افزون بر بهسازی فرهنگ اجتماع، بیشتر بر چگونگی عملکرد اشخاص در ایمن‌سازی خود یا اموالشان در جهت کاهش موقعیت‌های مجرمانه و در نهایت، پیشگیری از بزهدیدگی تأکید دارند. تحلیل آیات بی‌شماری از قرآن و روایات معتبر، امکان ارائه نظریه‌ها و راهکارهایی در جهت پیشگیری از وقوع بزهدیدگی را به دست می‌دهد.

واژگان کلیدی: بزهدیدگی، منابع اسلامی پیشگیری از بزهدیدگی، ظلم‌ستیزی، مدیریت خشم، تقیه، ارزش‌های اخلاقی.

* استادیار دانشگاه قم و عضو انجمن فقه و حقوق اسلامی حوزه علمیه (dr_hajidehabadi@yahoo.com).

** کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم (re.baharloo@yahoo.com).

مقدمه

از آنجا که تبیین دقیق و مناسب مسئله پیشگیری از بزه‌دیدگی، به تشریح مفهوم بزه‌دیده منوط می‌باشد، نخست به ارائه تعریفی از آن می‌پردازیم. تا پیش از سال ۱۳۸۳ زیان‌دیده از جرم، با عناوینی همچون مجنی‌علیه یا شاکی مورد توجه قانونگذار بود. برای نخستین بار در سال ۱۳۸۳ قانونگذار واژه «بزه‌دیده» را در قانون مبارزه با قاچاق انسان مورد استفاده قرار داد؛* ولی در آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، قانونگذار به ارائه تعریفی از بزه‌دیده پرداخت. بزه‌دیده در این قانون، چنین تعریف شده است: «ماده ۱۰- بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم، متحمل ضرر و زیان شده است». در بند (ط) ماده ۲ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۰ نیز «بزه‌دیده»، کودک یا نوجوانی است که در نتیجه رفتارهای مجرمانه والدین، اولیا، سرپرستان قانونی، هر شخصی که مسئولیت مراقبت او را بر عهده دارد یا دیگران، متحمل ضرر و زیان شود. مفهوم بزه‌دیده در اندیشه اسلامی فراتر از مفهوم بزه‌دیده کیفری است. اسلام نخستین زیان‌دیده از ظلم و ستم را شخص ظالم و گناهکار معرفی می‌نماید.** در قرآن کریم و کتب فقهی می‌توان واژگانی را یافت که به بزه‌دیده از جرم اشاره دارند؛ یکی از این واژه‌ها، واژه «مظلوم» (ر. ک: اسراء: ۲۳) است. در بسیاری از ابواب فقهی نیز - به خصوص باب حدود، قصاص و دیات - واژگانی وجود دارند که مشخصاً بزه‌دیده ناشی از جرم خاصی را مد نظر دارند؛ مانند واژه «مقذوف». درباره واژه مجنی‌علیه به نظر می‌رسد تأکید بیشتر فقها بر بزه‌دیدگان جرایم علیه اشخاص باشد. واژه «ضعیف» برای تأکید بر حمایت از افراد آسیب‌پذیر بیان شده است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۸). برای بزه‌کار، شخص ضعیف - از بُعد جسمی یا ذهنی - آماج مناسب‌تری برای ارتکاب

* «چنانچه عمل مرتکب (قاچاق انسان) از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد ... به پرداخت وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده، محکوم می‌شود» (ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان، مصوب ۱۳۸۳).

** «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَعَيْكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ: ای مردم! بدانید هرگونه ظلم و ستمی مرتکب شوید و هر انحرافی از حق پیدا کنید، زیانش متوجه خود شماست» (یونس: ۲۳).

جرم می‌باشد؛ بنابراین حمایت از آنها لازم به نظر می‌رسد.

صرف نظر از تعریف بزه‌دیده در متون اسلامی، یکی از مهم‌ترین نکاتی که دقت در آیات قرآنی و تفاسیر آن را روشن می‌سازد، تأکید بر توجه ویژه و تکلیف اشخاص بر عدم انجام رفتارهایی است که موجبات بزه‌دیدی آن‌ها را فراهم می‌کند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «... لَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ...: ... خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید...» (بقره: ۱۹۵). آیه شریفه مطلق است و نهی در آن نهی از همه رفتارهای افراطی و تفریطی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۴)؛ در نتیجه مفهوم گسترده‌ای دارد که موارد بسیاری را شامل می‌شود؛ از جمله اینکه انسان حق ندارد از جاده‌های خطرناک - چه از نظر نامنی و چه عوامل جوی یا غیر آن - بدون پیش‌بینی‌های لازم بگذرد، یا غذایی که به احتمال قوی به سم آلوده است، تناول کند و حتی در میدان جهاد، بدون نقشه و برنامه وارد عمل شود. در همه این موارد، انسان بی‌جهت جان خود را به خطر انداخته، مسئول است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۵).

هدف اصلی مباحث بزه‌دیده‌شناسی، هم در حوزه تجزیه و تحلیل نقش بزه‌دیده در فرآیند مجرمانه و هم در حیطه حفاظت و حمایت از بزه‌دیدگان، پیشگیری از بزه‌دیدی و حداقل کردن احتمال رخداد آن و در نهایت، کمک به پیشگیری از وقوع جرم می‌باشد؛ زیرا «پیشگیری از بزه‌دیدی در جهت تحقق هدف اصلی، یعنی پیشگیری از بزهکاری و مکمل آن خواهد بود» (توجهی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۱). با در نظر گرفتن دیدگاه تقریباً جدید جرم‌شناسی مبنی بر عدم نگرش به بزه‌دیده به عنوان عنصری منفعل در رویداد مجرمانه و براساس نظریات خردمحور* مبنی بر محاسبه‌گر بودن بزهکار؛ بدین معنا که به وضعیت و شرایط ویژه بزه‌دیده به عنوان بهترین و آسان‌ترین وسیله برای دستیابی به اهداف خود می‌نگرد، می‌توان پیشگیری از بزه‌دیدی را این‌گونه تعریف کرد: به‌کارگیری تدابیر غیرکیفری و حتی گاهی کیفری*

* براساس نظریات خردمحور، محاسبه بزهکار اغلب براساس وضعیت زیست‌شناختی، روان‌شناختی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی بزه‌دیده شکل می‌گیرد.
* البته اگر طبق تعریف ریمون گسن، معنای مضیق پیشگیری مدنظر باشد، این تدابیر فقط به تدابیر

برای جلوگیری یا کاهش احتمال آماج جرم قرار گرفته‌شدن افراد جامعه، به خصوص افرادی که به عنوان بزه‌دیدگان بالقوه شناخته می‌شوند، با توجه به نقش و جایگاه بزه‌دیده در تکوین جرایم و به طور کلی شناسایی و مقابله با علل و عواملی که سبب وقوع بزه‌دیدگی می‌شوند.

روشن است همان‌گونه که از پیشگیری از بزه‌دیدگی خاص مانند بزه‌دیدگی جنسی یا مالی می‌توان بحث کرد، از تدابیر عام پیشگیرنده از هرگونه بزه‌دیدگی سخن می‌توان سخن گفت. در این نوشتار با توجه به علل بزه‌دیدگی، راهکارهای عامی که از قرآن کریم برای پیشگیری از وقوع گونه‌های مختلف بزه‌دیدگی مفیدند، ارائه می‌شود. در بخش اول، تدابیر فرهنگی قرآن کریم در ضمن دو سرفصل با عناوین «تقویت ارزش‌های اخلاقی» و «ارتقای سطح آگاهی افراد» بیان می‌شود. در کنار این تدابیر، بینش اسلامی گاه در ارائه راهبردهایی برای پیشگیری از بزه‌دیدگی، تدابیری را با رویکرد احتیاطی عنوان می‌کند. این تدابیر به دنبال تغییر وضعیت، موقعیت و فرصت بزه‌دیدگی از راه تغییر در شرایط بزه‌دیده و در نتیجه کاهش بزه‌دیدگی‌اند؛ مباحثی که با راهکارهای پیشگیری وضعی در علم جرم‌شناسی قابل قیاس‌اند. بخش دوم، در همین موضوع، چهار سرفصل «تقیه»، «توریه»، «مشورت» و «ضرورت تحقیق» را به عنوان دیگر تدابیر عام پیشگیرنده از بزه‌دیدگی تبیین می‌کند.

۱. تدابیر فرهنگی در جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی

یکی از مهم‌ترین علل بزه‌دیدگی، ضعف فرهنگی جوامع است؛ به همین دلیل راه مقابله با آن، پرورش و رشد عوامل مؤثر در توسعه فرهنگی می‌باشد. آموزش و ارتقای سطح اطلاعات مردم به خصوص در مواردی که عدم آگاهی درباره آنها

غیرکیفری محدود می‌شوند. ریمون گسن پیشگیری را این‌گونه تعریف می‌کند: «پیشگیری هر تدبیر سیاست جنایی است که هدف نهایی آن تحدید حدود امکان پیشامد مجموعه اعمال جنایی از راه غیرممکن‌ساختن، دشوارکردن یا کاهش احتمال وقوع آنهاست، بی‌آنکه از تهدید یا کیفر یا اجرای آن استفاده شود» (ر. ک: گسن، ۱۳۷۰، ص ۱۳۳).

بزه‌دیدی افراد را به دنبال خواهد داشت، تبلیغ و ترویج برخی صفات و روحیات به عنوان فرهنگ اجتماعی مردم در جامعه مانند «کظم غیظ» یا «احساس مسئولیت در مقابل سرنوشت دیگران» و مصادیق دیگر فرهنگ‌سازی، می‌تواند بر کاهش گونه‌های مختلف بزه‌دیدی مؤثر واقع شوند که در این مبحث، ذیل سه سرفصل به برخی از این موارد اشاره خواهیم کرد.

۱-۱. تقویت ارزش‌های اخلاقی فرد و جامعه

قرآن کریم سرشار از آموزه‌های اخلاقی است و با مذاقه در آن، آیات بی‌شماری یافت می‌شود که کاربست آنها در زندگی، به حفاظت افراد جامعه از آسیب‌های گوناگون کمک شایانی خواهد کرد. مهم‌ترین این آموزه‌ها را به چند دسته طبقه‌بندی کرده، در سرفصل‌های ذیل بررسی خواهیم کرد.

۱-۱-۱. اصلاح صفات و رفتارهای ناپسند

از جمله مهم‌ترین توصیه‌های اخلاقی که از آیات قرآن برداشت می‌شود، سفارش به از میان برداشتن صفات نامطلوب و فرهنگ‌سازی برای جایگزینی آنها با صفات مطلوب و پسندیده می‌باشد. عمل به این توصیه‌ها به میزان زیادی به مقبولیت فرد در جامعه کمک می‌کند و مهم‌تر از آن همچون سپر دفاعی است که از آماج حفاظت می‌کند. علاوه بر این، در صورت عمل و پای‌بندی به آنها به وسیله اکثریت افراد جامعه، به تبع از میزان احتمال بزه‌دیدی‌ها در جامعه کاسته خواهد شد. گاه رفتارها و صفات مذمومی از افراد سر می‌زند که باعث بزه‌دیدی خودشان یا دیگران خواهد بود؛ آیاتی از قرآن به نهی این رفتارها و صفات پرداخته، به فراخور موضوع، توصیه یا دستوری در جهت حذف آنها ارائه کرده است. احصای همه صفات رذیله، فرصت و مجال مناسبی را می‌طلبد؛ ولی در این بخش، به بررسی بعضی از این صفات و راهکارهای قرآن برای مقابله با آنها می‌پردازیم.

۱-۱-۱-۱. میانه‌روی در ظن و گمان به دیگران

مندلسون در تقسیم‌بندی انواع بزه‌دیده، از بزه‌دیده با مسئولیت مجرمانه تام سخن به میان آورده، بزه‌دیده تخیلی را در این دسته جای داده است. در توضیح این دسته بزه‌دیدگان، از شاکی مبتلا به پارانوئید که به طور غیرواقعی می‌پندارد دیگری به او آسیب زده است و درصدد جبران برمی‌آید، یا فردی که به دیگران بدگمان است و رفتارها و گفتارهای آنان را ضد خود تعبیر و تفسیر می‌نماید، سخن به میان می‌آید (لپز و فیلیزولا، ۱۳۷۹، ص ۵۲-۵۳). گاهی نوع رفتار چنین شخصی باعث ترس و تحریک طرف مقابل می‌شود و در نتیجه درصدد دفاع از خود برمی‌آید که حاصلی جز قربانی شدن شخص اول به دنبال ندارد. عده‌ای نیز هرچند دچار اختلال شخصیت بدگمان نبوده، به پارانوئید مبتلا نیستند؛ ولی به طور دائم به همه‌چیز بدبین‌اند و از کودکی بدبینی را در خانواده آموخته‌اند و نسبت به همه‌چیز دیدگاه منفی دارند. پرورش کودک در محیط سالم و دوستانه، در پیشگیری از وقوع این اختلال یا هرگونه سوءظن بی‌مورد در بزرگسالی مؤثر خواهد بود. اگر والدین یا سرپرستان کودک برای تربیت کودک به درستی وارد عمل نشوند و بی‌اعتمادی را به فرزندشان منتقل کنند، او را در سراسر زندگی با مشکلات بسیاری روبه‌رو می‌سازند.

بر اساس آموزه‌های اسلام، باید بنا را بر حُسن ظن به دیگران گذاشت و از

گمان‌های بد پرهیز کرد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ ... ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید؛ زیرا [پیروی] برخی از گمان‌ها [گمان بدی که مخالف واقع باشد] گناه است (حجرات: ۱۲).

منظور آیه مورد بحث، نهی از پذیرفتن ظن بد است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۳۲۳). در آیه مشابه نیز پیروی از ظن نکوهش شده است.* در کتب حدیث، بابی با عنوان «بَابُ تَحْرِيمِ تَهْمَةِ الْمُؤْمِنِ وَ سَوْءِ الظَّنِّ بِهِ» آمده است (عاملی، [بی‌تا]، ج ۱۲، ص ۳۰۲/

* «وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرَهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ: و بیشتر آنها جز از گمان [و پندارهای بی‌اساس] پیروی نمی‌کنند [در حالی که] گمان، هرگز انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌سازد [و به حق نمی‌رساند]! به یقین، خداوند از آنچه انجام می‌دهند، آگاه است» (یونس: ۳۶).

کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۲). طبق فرموده امام علی، هرکس به مردم گمان نیک ببرد، محبت آنها را به دست می‌آورد (تمیمی آمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۹). حُسن ظن به دیگران، زمینه‌ساز حُسن ظن آنها به فرد می‌باشد و همین امر، کاهش احتمال بزه‌دیدگی فرد را به دنبال دارد؛ زیرا بسیاری از بزه‌دیدگی‌ها به دلیل سوءظنی است که بزه‌کار به بزه‌دیده می‌یابد.

امامان براساس همین اصل مهم قرآنی، میانه‌روی و اعتدال در ظن و گمان را سرلوحه آموزش‌های خود قرار داده‌اند. امام علی می‌فرماید: «کارهای برادر دینی‌ات را به بهترین وجه حمل کن و در سخن وی براساس بدگمانی داوری مکن، مگر آنکه یقین به خلاف آن پیدا کنی» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۲). آنگاه که وضعیت شخص مقابل یا اوضاع و احوال حاکم، به گونه‌ای است که امکان حُسن ظن وجود ندارد، حُسن ظن باعث ضرر و چه بسا بزه‌دیدگی است. در روایتی به نقل از امام کاظم آمده است:

إِذَا كَانَ الْجَوْرُ أَغْلَبَ مِنَ الْحَقِّ لَمْ يَجَلِّ لِأَحَدٍ أَنْ يَظُنَّ بِأَحَدٍ خَيْرًا حَتَّى يَعْرِفَ ذَلِكَ مِنْهُ؛ هرگاه ستم و ناراستی، از حق و راستکاری بیشتر بود، بر هیچ‌کس روا نیست به کسی گمان خوب برد، مگر آنگاه که خوبی او بر وی معلوم شود (همان، ج ۵، ص ۲۹۸).

مفهوم «کثیراً» در آیه ۱۲ سوره حجرات این است که در همه‌جا تکیه بر گمان ممنوع نیست؛ زیرا چه بسا موارد مهمی که نادیده‌گرفتن گمان، زمینه زیان‌دیدگی فرد یا جامعه را فراهم آورد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۱، ج ۱۷، ص ۶۲۸) یا خوش‌بینی غیرمنطقی و اعتماد کامل بزه‌دیدگی فرد را به همراه داشته باشد. طبق فرموده امام صادق، اعتماد تمام و کمال حتی به برادر نیز جایز نیست و زیان ناشی از آن نابخشودنی است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۱۴۷).

سوءظن ناروا می‌تواند باعث بزه‌دیدگی‌های فراوان گردد که از آن جمله می‌توان نسبت زنا، رابطه نامشروع، بهتان و افترا را نام برد که در قانون نیز با عنوان قذف و افترا جرم‌انگاری شده است.

البته نوع رفتار و گفتار فرد می‌تواند در بدگمانی دیگران نسبت به وی مؤثر

باشد؛ به همین دلیل است که تبصره ماده ۲۵۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به روشنی، قذف متظاهر به زنا را قابل مجازات نمی‌داند. همچنین خلوت کردن با نامحرم نیز می‌تواند بدگمانی دیگران و چه بسا ایراد تهمت را به همراه داشته باشد. امام علی می‌فرماید:

مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ: کسی که خویش را در جایگاه تهمت قرار می‌دهد، نباید کسانی را که به او بدگمان شدند، سرزنش کند (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ص ۶۶۴-۶۶۵).

همچنین در این باره می‌فرمایند: «مُجالسه الأشرار تُورث سوء الظن بالأخيار: همنشینی با بدان، بدگمانی به نیکان را به دنبال دارد» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۳۷).

۲-۱-۱-۱. مدیریت و کنترل خشم

اهمیت کنترل و مدیریت صحیح بر هیجان خشم، از آن جهت است که در حالت خشم شدید، قدرت استدلال و فهم انسان تحت تأثیر این عامل قرار می‌گیرد و فرد، توانایی درست‌اندیشیدن را از دست می‌دهد؛ بنابراین ممکن است عملی انجام دهد که وی را در معرض بزه‌دیدگی قرار دهد و حتی زمینه هلاکت او را به وجود آورد؛ به عنوان مثال، یکی از عمده‌ترین علت‌های همسرکشی در ایران، خشم ناگهانی و عدم توانایی مرد و زن در کنترل خشم خود بیان شده است (آشوری و معظمی، ۱۳۸۱، ص ۲۹). بر پایه همین مسئله، امام علی می‌فرماید: «الغضب يُردي صاحبه: خشم، صاحبش را هلاک می‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳). از اینجا روشن می‌شود که چرا خداوند مردم را به حاکم شدن و تسلط بر خشم و فروخوردن آن سفارش می‌کند (نجاتی، ۱۳۶۷، ص ۱۰۵). بر این اساس، در مباحث روان‌شناختی نیز از مهارت‌های کنترل و مدیریت خشم صحبت شده است. بیشتر مطالعات انجام‌شده بر برنامه‌های مداخله‌ای درمان خشم، از رویکرد شناختی-رفتاری (*Cognitive-Behavioral Approaches*) استفاده کرده‌اند که «هدف این رویکرد، تغییر در شناخت و رفتار افراد است» (همان، ص ۵۹).

راهبردهای ارائه‌شده به منظور مدیریت خشم، در روایات و متون دینی نیز شامل دو مؤلفه شناختی و رفتاری است که مؤلفه‌های تأثیرگذار در روابط میان‌فردی را

در برمی گیرد (شریعتی و کرمی، ۱۳۸۹، ص ۹۶). از جمله فنون شناختی از دیدگاه اسلام، عبارت است از در نظر گرفتن آثار زیانبار جسمی و روحی خشم و توجه به نفع دنیوی و اخروی مهار خشم و اینکه کظم غیظ و فرونشاندن خشم، در آیه ۱۳۴ سوره آل عمران از صفات پرهیزگاران بر شمرده شده است: «الَّذِينَ يَنْفُقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ...». درمان خشم، توجه به مذمت و فضل و ثواب کظم خشم است (ر.ک: کمره‌ای، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۴۳). در اسلام برای مدیریت خشم، فنون رفتاری نیز به کار گرفته شده‌اند؛ تغییر وضعیت بدنی،* سکوت،** تغییر محیط و ترک محل،*** همگی راهبردهای رفتاری در اسلام محسوب می‌شوند. گاهی با برانگیختن خشم، نزاعی رخ می‌دهد؛ در صورتی که فرد در این حالت بتواند این محل را ترک کند، زمینه وقوع بزهدیدگی خویش را از میان خواهد برد. یکی از تکنیک‌های پیشگیری وضعی، دوری از مشاجره عنوان شده است (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰).

یکی از خصلت‌های پیامبر که در قرآن کریم به آن اشاره شده است، نیک‌خویی ایشان می‌باشد که دلیلی موجه برای بالابودن احترام ایشان و گرویدن افراد به اسلام است: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ: و اگر بدخلق و سخت‌دل بودی، حتماً از دورت پراکنده می‌شدند» (آل عمران: ۱۵۹).

مشاهده می‌شود که حسن خلق، عامل بسیار مهمی در افزایش تعداد دوستان و حامیان انسان خواهد بود و همین مسئله زمینه کاهش بروز بزهدیدگی است. در واقع وقتی هواداران و حمایت‌کنندگان انسان خوش خلق زیاد باشد، هریک به گونه‌ای و با

* امام محمد باقر: «فَأَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ عَلَى قَوْمٍ وَهُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ مِنْ فَوْرِهِ ذَلِكَ فَإِنَّهُ سَيَذْهَبُ عَنْهُ رَجْزُ الشَّيْطَانِ وَ أَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ عَلَى ذِي رَحِمٍ فَلْيِدْنُ مِنْهُ فَلْيَمْسَهُ فَإِنَّ الرَّحِمَ إِذَا مُسَّتْ سَكَتَتْ: پس هر مردی که بر قومی غضب کند، در حالی که ایستاده است، پس به سرعت بنشیند؛ چه اینکه نشستن رجز شیطان را از او دور می‌کند و هرگاه غضب کند بر خویشاوندی، پس به آن خویشاوند نزدیک شود و او را لمس کند؛ زیرا مس خویشاوند، غضب را فرومی‌نشاند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۲).

** «إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُتْ: هرگاه خشمگین شدی، سکوت کن» (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۲۳).

*** از راه‌های کنترل خشم، رفتن از آن محلی است که اسباب غضب در آنجا فراهم شده است (خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۰).

توجه به توان و تخصص خویش، مانع وقوع گونه‌های مختلف بزه‌دیدی شخص خواهند شد و حتی در صورت بروز بزه‌دیدی، با حمایت‌های بی‌دریغ‌شان مانع تکرار وقوع بزه‌دیدی‌ها یا تشدید آن می‌شوند. خداوند در آیات دیگری از قرآن، به نیکی به همه افرادی که فرد در زندگی اجتماعی احتمال برخورد با آنها را دارد، سفارش کرده است.

۱-۱-۲. احساس مسئولیت در مقابل سرنوشت یکدیگر

جوامعی که افراد آن نسبت به سرنوشت یکدیگر حس مسئولیت دارند، نمی‌توانند به بزهکاران اجازه تعرض به دیگران، به خصوص افراد ضعیف‌تر جامعه همچون زنان، اطفال و سالمندان را بدهند و درمقابل، رفتار نسنجیده نسبت به بزه‌دیدگان خاص را گوشزد می‌کنند. همین امر تأثیر قابل توجهی در کاهش میزان بزه‌دیدی دارد؛ زیرا بزهکاران بالقوه، با توجه به حس مسئولیت جمعی موجود در جامعه، به خود اجازه دست‌درازی به دیگران را نمی‌دهند و در نتیجه، احتمال وقوع بزه‌دیدی به کمترین میزان خود در جامعه می‌رسد. اسلام نیز سفارشات مؤکدی درباره لزوم احساس مسئولیت در مقابل سرنوشت یکدیگر دارد و تدابیری به منظور فرهنگ‌سازی این حس مسئولیت اندیشیده است که در این بخش، به بیان برخی از آنها می‌پردازیم. پیامبر می‌فرماید: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة: همه شما راهنما و رهبر یکدیگرید و همه [در راه اصلاح یکدیگر] مسئول هستید» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۴۵۷). مؤلف کتاب *رسائل حجابیه*، در توضیح این حدیث می‌نویسد:

یعنی آگاه باشید! تمامی شما افراد امت نسبت به یکدیگر، حکم حافظ و چوپان و به منزله پاسبان و نگهبانانید و همه شما در مقابل زیردستان خود، مسئولیت دارید (جعفریان، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۱۰۰۱).

۱-۱-۳. تشویق به برقراری روابط برادرانه

آیات قرآن، مؤمنان را برادر یکدیگر خطاب می‌کند. نکته مهم اینکه دقیقاً در مواردی که اختلاف یا نزاعی میان مؤمنان رخ داده است، آنان را برادر یکدیگر خطاب می‌کند و از

دیگر برادران خواسته است میان آنها را صلح دهند. باید توجه داشت غالباً برادران نسبت به مشکلات و مسائل یکدیگر، توجه و حس مسئولیت بالایی دارند و در صورتی که این حالت در جامعه اسلامی نمود یابد، همه نسبت به مشکلات یکدیگر همانند برادران حساس می‌شوند و به یاری برادر مظلوم می‌شتابند و اجازه تعرض به وی را نمی‌دهند، یا از ادامه تعرض و بزه‌دیدگی وی ممانعت به عمل می‌آورند. در واقع برادری باعث رفع نیازهای انسان و دارا بودن کمک اجتماعی و به همین دلیل، باعث کاهش زمینه‌های بزه‌دیدگی است:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ: جز این نیست که همه مؤمنان با یکدیگر برادرند؛ پس [در همه اختلاف‌ها] میان دو فرد یا دو گروه برادران‌تان اصلاح نمایید (حجرات: ۱۰).

صاحب تفسیر مجمع‌البیان درباره این آیه می‌نویسد: «مؤمنان برادر یکدیگرند و باید یکدیگر را یاری کنند و شرّ ظالم را از سر مظلوم کوتاه کرده، به یاری مظلوم روند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۰۰).

۴-۱-۱. امر به معروف و نهی از منکر

لازمه مسئول بودن مسلمانان در مقابل سرنوشت دیگران این است که نسبت به اعمال آنها بی تفاوت نباشند و اگر متوجه شدند کسی قصد ارتکاب منکری علیه خود یا دیگری دارد، باید او را نهی کنند و بدین وسیله از وقوع عمل حرام یا مکروه یا نابهنجار - بسته به نوع تعریفی که از معروف و منکر صورت می‌پذیرد* -

* کارکرد این شیوه به حدود تعریف معروف و منکر بستگی دارد. از این نظر، تبیین جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی برحسب اینکه چه معنایی از معروف و منکر ارائه شود، متفاوت است؛ زیرا اگر همان‌گونه که برخی فقها گفته‌اند، مقصود از معروف فقط واجبات و مقصود از منکر فقط محرّمات باشد، کارکرد این آموزه در سیاست جنایی اسلام فقط به این بخش رفتاری محدود می‌شود، این در حالی است که در منطق رفتاری سیاست جنایی اسلام، به غیر از این دو مورد، مستحبات، مکروهات و حتی مباحات را نیز دربرگرفته می‌شود. در نهایت با توجه به اینکه محوریت بحث در سیاست جنایی رایج، هنجارها و نابهنجارهاست و از طرفی الگوی رایج در سیاست جنایی اسلام نیز محور قرارداد هنجارها و نابهنجارها می‌باشد، می‌توان گفت نوعی

جلوگیری نمایند.

از دیدگاه اسلام، سرنوشت انسان‌ها به یکدیگر گره خورده است. از این رو، امر به معروف و نهی از منکر متوجه عموم شهروندان جامعه اسلامی با قطع نظر از مقام و منصب آنهاست. این امر نمودی از سیاست جنایی مشارکتی در آموزه‌های اسلام است. در حقیقت نتیجه اجرای صحیح این تکلیف همگانی که نوعی نظارت و مراقبت عمومی متقابل به شمار می‌آید، محفوظ ماندن همه جامعه از خطرات و مضرات هنجارشکنی می‌باشد. در تفسیر آیه ۱۱۰ سوره آل عمران: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» چنین گفته شده است که از منظر قرآن کریم، امر به معروف و نهی از منکر به اندازه‌ای مهم است که انجام آن معیار امتیاز امت‌ها تلقی می‌گردد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۲۹).

درباره جرایمی که جنبه حق‌الناسی آنها غالب است، با توجه به اهمیت بالای پیشگیری از بزه‌دیدگی، فقها شرایط عامه تکلیف را برای شخص امر یا نهی‌شونده لازم ندانسته‌اند و این‌گونه استدلال می‌کنند:

در کسی که به او امر و نهی می‌شود، شرط نیست مکلف باشد؛ زیرا هرگاه دانسته شود غیرمکلف به غیر خود ضرر می‌زند، باید از کار او جلوگیری کرد (سیوری حلی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۴۰۸).

در مقابل، توجه به امر یا ناهی نیز مهم است؛ به گونه‌ای که اگر به واسطه این فرایض، احتمال ضرر جانی یا مالی دادند، به انجام آن ملزم نیستند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۴۱۵). ملاحظه می‌شود که امر و ناهی نیز باید به این امر که چه میزان احتمال وقوع بزه‌دیدگی خود آنها در نتیجه انجام این دو فریضه وجود دارد، دقت کنند.*

همپوشی میان این دو و معروف و منکر دیده می‌شود (برای اطلاع بیشتر از مفهوم و شرایط امر به معروف و نهی از منکر، ر.ک: حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۷۹-۸۰).

* البته گاهی موضوع امر و نهی، چنان اهمیت حیاتی و ویژه‌ای دارد که نمی‌توان به صرف احتمال ضرر آن را ترک کرد، بلکه در چنین مواردی اگرچه با ضرر جانی، مالی و... همراه باشد، باید به امر و نهی پرداخت؛ چنان‌که امام حسین با فرض خطرات و ضررهایی که احساس می‌کرد، به امر به معروف و

امام علی وضع فریضه امر به معروف به وسیله خداوند را برای اصلاح کار همگان و نهی از منکر را برای بازداشتن بی‌خردان دانسته‌اند. در واقع از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی این فریضه، تأمین حقوق همگان، اصلاح عامه، ممانعت از تجاوز به قشر آسیب‌پذیر جامعه و حتی در موارد بسیاری، پیشگیری از وقوع بزه‌دیدی مأمور و منهی عنه می‌باشد؛ به عنوان نمونه، پیامد امر به پوشش مناسب به بانوان، مصون ماندن خود آنان از آزار بیماردلان می‌باشد. نمونه دیگر اینکه همان‌گونه که جرم‌شناسان اظهار داشته‌اند، استفاده از مواد سکرآور، پایین آمدن هوشیاری فرد را به آماجی مناسب برای بزهکاران بالقوه تبدیل می‌کند* که در صورت مشاهده نوشیدن مسکرات به شکل آشکارا،** نهی فرد از مصرف این گونه مواد می‌تواند در عدم وقوع بزه‌دیدی وی راهگشا باشد. همچنین نهی بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر از قرارداد خود در موقعیت‌های خطرناکی که فرصت ارتکاب جرم را به بزهکاران بالقوه - یا به تعبیر امام علی، بی‌خردان - خواهد داد، از همین دسته می‌باشد.

در هر حال، ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر، در شکل‌گیری محیط ناسالم مؤثر است. از آنجاکه طبق نظریه شیوه‌زندگی، زیستن در محیط خطرناک و ناسالم، در بزه‌دیدی مؤثر است، با کاربرد صحیح فریضه مطابق با شرایط عنوان شده به وسیله فقها و دقت در نتیجه اجرای آنها، به ارتباط این فرایض با کاهش موارد بزه‌دیدی پی خواهیم برد.

نهی از منکر مبادرت می‌ورزید (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۳۱۷).

* به باور مندلسون: شرایط عمومی برخی اشخاص به گونه‌ای است که قدرت مقاومت و توانایی پایداری را از آنها در مقابل تهاجمات می‌گیرد؛ مثلاً فرد مست، آسیب‌پذیر است و مستعد بزه‌دیده شدن خواهد بود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۳۷).

** امر به معروف و نهی از منکر، ناظر به حقوق اجتماعی انسان‌هاست و فقط در این حوزه کاربرد دارد. از این رو، کشاندن آن به حریم خصوصی مردم جز مسخ این فریضه و مشکل‌سازی آن نتیجه‌ای ندارد. اساساً تا ترک معروف یا ارتکاب منکری آشکار نباشد، کسی حق پی‌جویی و تجسس برای احراز آن ندارد (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۳۱۹).

۲-۱. ارتقای سطح آگاهی و اطلاعات افراد

نیاز انسان به آموزش در زمینه‌های گوناگون، برای بقا و زندگی امری بدیهی است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَتَعْلَمُونَ شَيْئاً...» و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد، در حالی که چیزی نمی‌دانستید...» (نحل: ۷۸).

برخی مفسران در تفسیر «... لَتَعْلَمُونَ شَيْئاً...» این‌گونه قلم زده‌اند: مقصود این است که هیچ‌چیز از جلب منافع برای خود و همچنین دفع مکاره از خود نمی‌دانستید (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۲۵۱). همین حقیقت، لزوم آموزش و یادگیری را نشان می‌دهد.

درباره بزه‌دیدگی باید اذعان داشت در موارد بسیاری، رخداد این معضل از جهل و عدم آگاهی سرچشمه می‌گیرد. به عبارت دیگر، آگاهی و دانش بر محفوظ‌ماندن از بزه‌دیدگی و حفظ و سلامت قربانیان جرایم، در مقابل بزهکاری تأثیرگذار است. در سیاست جنایی اسلام ضمن توصیه به آگاهی و گسترش دانش، به تأثیر آن در امر پیشگیری نیز تأکید شده است. آیات و روایات بسیاری درباره فضیلت علم و آگاهی آمده است که برخی از آنها به تأثیر آگاهی در حفاظت و حراست از بزه‌دیدگی اشاره دارد؛ زیرا در سیاست جنایی اسلام، جهل و نادانی ریشه همه مشکلات و معضلات اجتماعی دانسته شده است که با از میان‌بردن آن، بخش اعظم مشکلات مرتفع خواهد شد؛* بنابراین عقاید، رفتار و گفتار آدمی باید بر علم و آگاهی مبتنی باشد.* در کلامی از امام علی آمده است:

الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ؛ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ، وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ: علم از مال بهتر است؛ علم، تو را حفظ و نگهداری می‌نماید؛ ولی تو باید مال را نگهداری کنی (نهج البلاغه، ۱۳۸۷،

* «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ: پیامبر اسلام نیز به جهت ارزش والای علم و اجتناب از جهل، علم و آگاهی را برای کسب خیر و خوبی‌ها معرفی کرده، جهل و بی‌خبری را مادر فسادها و انحراف‌ها می‌داند» (بابازاده، ۱۳۷۱، ص ۱۴).

** «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولاً» (اسراء: ۳۶).

ص ۳۵۴-۳۵۵).

با آموزش حقوق و تکالیفی که هریک از افراد جامعه دارند، زمینه تضييع حقوق آنان از راه رفتار مجرمانه کاهش خواهد یافت. موضوع مهمی که درباره آگاه‌سازی بزه‌دیدگان مطرح می‌شود، اطلاع‌رسانی درباره جرم‌های خطرناک است که برخی از فقها نیز به این مهم تصریح کرده‌اند (موسوی خویی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۳۵).

۳-۱. ایجاد فرهنگ ظلم‌ستیزی و ستم‌ناپذیری

از مهم‌ترین و اصلی‌ترین عواملی که بزه‌دیده را به قربانی مناسبی برای بزه‌کار تبدیل می‌کند، ظلم‌پذیری و عدم مقاومت بزه‌دیده است. قرآن کریم نیز تأکید می‌کند ستمگری و ستم‌پذیری هیچ‌یک مورد قبول نیست: «... لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ: نه ستم کنید و نه مورد ستم واقع شوید» (بقره: ۲۷۹).

بسیاری از مجرمان به دلیل اینکه زمینه ارتکاب جرم را مساعد دیده، بزه‌دیده بالقوه را فاقد هرگونه قدرت دفاعی می‌بینند، انگیزه ارتکاب جرم در آنان تقویت می‌شود و به ارتکاب جرم دست می‌زنند؛ بنابراین در آموزه‌های دینی، همان‌گونه که از ظلم و ستمگری به شدت اعلام انزجار شده، از تن‌دادن به ظلم و قبول بزه‌دیدی نیز نهی شده است. خداوند متعال در قرآن کریم این موضوع را این‌گونه عنوان می‌کند:

لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ...: خداوند بدگویی بلند و آشکار [مانند غیبت، بهتان، نکوهش، سعایت و نفرین] را دوست ندارد، جز برای کسی که بر او ستم رفته باشد (نساء: ۱۴۸).

مقصود از جهر بالسوء، صحبت کردن علیه ظالم و ذکر ستم‌های اوست و نیز پاسخ‌گویی به گفتار و رفتار نامناسب ستمکار نیز عنوان شده است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۹۸).

دفاع از ستم‌دیدگان و مظلومان و یاری‌رساندن به افراد در معرض بزه‌دیدی، به عنوان وظیفه و تکلیف شرعی قلمداد شده است. تلاش سیاست‌جنایی اسلام، نهادینه کردن این فرهنگ در جامعه اسلامی است. پروردگار عالم در چند آیه از قرآن کریم، مسلمانان را بر انتصار و دادخواهی ترغیب و تشویق کرده، از تسلیم بر ظلم و

ستمگری، توبیخ و برحذر داشته است و در سوره شعراء در ذکر صفات مؤمنان می‌فرماید: «... وَأَنْتَصِرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا...» * هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند، به دفاع از خویشان [و دیگر مؤمنان] برمی‌خیزند» (شعراء: ۲۲۷). همچنین در توصیف مؤمنان راستین می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ: و کسانی که هرگاه ستمی به آنها رسد، [تسلیم ظلم نمی‌شوند و] یاری می‌طلبند» (شوری: ۳۹). مسلمان نه تنها باید از خود دفع ظلم نماید، بلکه باید بیاموزد که مظلومان را از دست ستمکاران نجات دهد: «... وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ...: اگر گروهی [مؤمنان مهاجر] به خاطر حفظ دین و آیین‌شان از شما یاری طلب کنند، بر شما لازم است به یاری آنان بشتابید (انفال: ۷۲).

خداوند در آیه دیگری، کسانی را که نسبت به کمک و یاری ستمدیدگان، سکوت و بی‌تفاوتی اختیار کرده‌اند و قیام نمی‌کنند، سرزنش و ملامت می‌کند و مورد سؤال قرار می‌دهد و می‌گوید:

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ: چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران] تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟ (نساء: ۷۵).

در تفسیر این آیه نوشته شده است:

از این آیه استفاده می‌شود که بر مسلمانان واجب است اگر دیدند مسلمانی گرفتار ظالمی شده، به قدر قوه و قدرت خود باید اقدام کنند و رفع شرّ آن را بنمایند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۳۷).

در حقیقت مظلوم و ستمدیده از یک سو به مقاومت و ایستادگی در برابر ظالم و کمک‌خواستن از برادران دینی موظف است و از سوی دیگر، مؤمنان که فریاد و استغاثه برادران دینی و ستمدیده خود را می‌شنوند، مسئول‌اند به ندای آنان پاسخ مثبت

* گفتنی است آیه در وصف شاعران مؤمنی است که هنگامی که مورد ستم قرار می‌گیرند، با ابزار خویش - یعنی شعر - برای دفاع از خویش و دیگر مؤمنان به پا می‌خیزند؛ یعنی برای پیشگیری از مظلوم واقع شدن و یاری‌رساندن به مظلومان، تک‌تک مؤمنان باید با تخصص یا هنر خود در جهت پیشگیری از نتایج وخیم‌تر ظلم و بزه‌دیدگی گام بردارند و زیر بار ظلم نروند.

دهند و به یاری آنان بشتابند؛ زیرا مقاومت در برابر ظلم و ستمگری و جلوگیری از رخنه و نفوذ آن در لایه‌های اجتماع، بر هر کسی که قدرت و توانایی آن را داشته باشد، به حکم عقل و شرع واجب است. مؤلف تفسیرانوار درخشان نیز در ذیل آیه مذکور می‌گوید:

از جمله واجبات فطری، کمک به مظلوم و ستمدیده است که ظلم ستمگر را از مظلوم، دفع نمایند و دست ستمگر را از ستمدیده کوتاه نمایند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۱۹).

امام علی در این باره می‌فرماید: «أَحْسَنُ الْعَدْلِ نَصْرَةُ الْمَظْلُومِ: بهترین عدالت، یاری مظلوم است» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۷).

پیش‌بینی حق دفاع مشروع از نفس، مال و عرض نیز در جهت حمایت از بزه‌دیدگان احتمالی می‌باشد. استاد عبدالقادر عوده لزوم دفاع در مقابل مهاجم برای دفاع از جان، مال و عرض خود یا دیگری را دستور خداوند متعال می‌داند (عوده، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۴۷۶):

فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ... پس آن کس که تجاوز کند بر شما، تجاوز کنید بر او برابر آنچه بر شما تجاوز کرده است و از خدا پروا نمایید (که از مرز مقابله به مثل تجاوز نکنید). (بقره: ۱۹۴).

مفسران تأکید کرده‌اند تدبیر پیشگیرانه مذکور در این آیه، مفهوم وسیعی دارد و به مسئله قصاص در مقابل قتل یا جنایات دیگر منحصر نیست، بلکه دفاع در قبال امور مالی و دیگر حقوق را به منظور دفع تهاجم و پیشگیری از بزه‌دیدی شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۳).

۲. راهبردهای احتیاطی در جهت پیشگیری از بزه‌دیدی

با پذیرش این نکته که در بسیاری موارد، خود بزه‌دیدگان شرایطی را فراهم می‌آورند که از نظر بزه‌کار، به آماج مناسب و کم‌هزینه‌ای برای ارتکاب بزه تبدیل می‌شوند، به ارائه تدابیری احتیاطی می‌توان پرداخت که فرد با به کار بستن آنها از خود در مقابل

بزه‌دیدگی حفاظت نماید. اساساً جرم‌شناسان احتیاط شخص در معرض بزه‌دیدگی را قلب اقدامات پیشگیرانه دانسته‌اند و هدف آن را محدودساختن موقعیت‌های ارتکاب جنایت بیان کرده‌اند (گسن، ۱۳۷۰، ص ۱۱۱).

در سیاست جنایی اسلام که قرآن از جمله منابع مهم آن است، تدابیر احتیاطی تشریح شده است که هدف اصلی آنها حفظ اموال، اعراض و نفوس مؤمنان می‌باشد و در این مبحث به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۲-۱. تقيه

«تقيه» به معنای کناره‌گیری از خطر است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۱) که یکی از احکام اسلامی می‌باشد و به عنوان راهکاری معقول، در پیشگیری از بزه‌دیدگی مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر، تقيه سپر دفاعی است که عقل در مقام خطرهای مهلک آن را سد راه قرار داده، شرع نیز که عقل کل است، آن را امضا کرده است (بطحایی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۷).

تقيه در اصطلاح این‌گونه تعریف شده است: «التحفظ عن ضررالغیر بموافقته فی قول أو فعل مخالف للحق: دوری کردن از ضرر و زیان غیر به وسیله موافقت قولی و عملی با او؛ هرچند این موافقت برخلاف حق باشد» (انصاری، ۱۴۱۴، ص ۷۱). علمای شیعه به پیروی از ائمه معصوم، تقيه را به اقتضای عقل در همه مواقعی که مؤمن در معرض انواع بزه‌دیدگی اعم از جانی، مالی و حیثیتی قرار می‌گیرد، جایز می‌دانند (همان، ص ۱۹۱)؛ چنان‌که امام باقر می‌فرماید: «التَّقِيَةُ فِي كُلِّ ضَرُورَةٍ: تقيه در همه مواردی است که مسلمان ناچار می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۱۹).

تقيه به گواهی قرآن کریم و روایات مربوطه، به منظور حفظ افراد از بزه‌دیدگی تجویز و تشریح شده است. اصلی‌ترین مستند تقيه، آیات قرآن کریم است که می‌فرماید: لَّا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ... إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتَةً ...: مؤمنان نباید کفار را به جای مؤمنان دوست و یاور و سرپرست بگیرند ... مگر آنکه بخواهید از آنان به نحوی تقيه نمایید (آل عمران: ۲۸).

اسلام آشکارا به مسلمانان اجازه داده است اگر با اظهار مخالفت و قطع رابطه از جانب بیگانگان خطری جانی، مالی، ناموسی یا حیثیتی متوجه آنان شود، با مدارا از توجه خطر جلوگیری نمایند؛ زیرا دین اسلام سعادت بشر را در دو جهان تأمین می‌کند و غرض هیچ‌یک از احکام اسلام، به خطرافکندن افراد مسلمان نیست (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۰ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۰۱)؛ همان‌گونه که قرآن نیز در آیه مذکور این امر مهم را خاطر نشان ساخته است.*

احادیث و روایات بیشماری از ائمه معصوم درباره تقیه نقل شده است که همگی از توجه ویژه اسلام به حفظ نفس، مال و ناموس و حیثیت انسان و پیشگیری از بزه‌دیدگی وی حکایت دارند. امام صادق در این باره می‌فرماید: «التَّقِيَةُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ وَالتَّقِيَةُ حِرْزُ الْمُؤْمِنِ: تقیه سپر مؤمن و حافظ اوست» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۲۱).

اکنون باید یادآور شد، حد نهایی تقیه تا آنجاست که سبب ضرر و زیان مهم‌تر یا ریختن خون انسان بی‌گناهی نشود. امام باقر می‌فرماید:
 إِنَّمَا جُعِلَتِ التَّقِيَةُ لِيُحَقَّنَ بِهَا الدَّمُ فَإِذَا بَلَغَتِ التَّقِيَةُ الدَّمَ فَلَا تَقِيَةَ: همانا تقیه قرار داده شده است تا خون‌ها [نفوس] مصون بماند؛ پس هرگاه کار به قتل و خونریزی رسید، دیگر تقیه جایز [مشروع] نیست (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۷۲).

۲-۲. توریه

شیخ مرتضیٰ انصاری، «توریه» را این‌گونه تعریف می‌کند:

توریه عبارت است از اینکه منظور گوینده عبارت، معنای صحیح و مطابق واقع آن است [دروغ نمی‌گوید]؛ اما هدف او از بیان چنین عبارتی، آن است که مخاطب (چه همه مخاطبان و چه مخاطبی خاص)، معنایی خلاف معنای واقعی را که نزد او ظهور دارد، از آن برداشت کنند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۷).

* قرآن با تعبیر دیگری در آیه ۱۰۶ سوره نحل، بحث تجویز تقیه را مطرح ساخته است و درست از همین آیه است که به تفاوت تقیه و نفاق پی می‌بریم. در تقیه، مؤمن در حقیقت و باطن حق‌گراست؛ ولی در ظاهر برای حفظ جان، مال یا ناموس خود به ناچار عقیده قلبی خویش را پنهان می‌سازد، در صورتی که می‌دانیم نفاق یعنی کفر درونی و تظاهر به ایمان در ظاهر.

به عبارت دیگر، می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

توریه، نوعی حرف‌زدن است که در آن نه دروغ گفته می‌شود و نه راست. این روش، نوعی پنهان‌کاری است که به منظور خلاصی از دروغ به کار گرفته می‌شود (بهجت، ۱۳۷۵، ص ۴۷۶).

هرچند واژه توریه در قرآن کریم نیامده است؛ ولی در بعضی تفاسیر و منابع حدیثی، آیاتی از قرآن، مصادیق توریه شمرده شده‌اند؛ از جمله: «فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ؛ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ» (صافات: ۸۸-۸۹). یکی از احتمالات مفسران این است که حضرت ابراهیم با توجه به آگاهی از خالی‌شدن شهر و پیش‌آمدن بهترین فرصت برای عملی‌کردن نقشه خود به منظور رسیدن به هدف والای خویش که همانا هدایت قوم گمراهش بود، در این سخن توریه کرده است (برای اطلاع از تفاسیر مربوطه و چگونگی توریه، ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۹۰/حسینی‌شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۱، ص ۱۳۴/نجفی‌خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۶، ص ۳۵۵/طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۷۰۲/مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۲۹). همچنین به تصریح علامه‌مجلسی، در بسیاری از احادیث برای جواز توریه، به این آیات استناد شده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۵۰).

شیخ بهاء‌الدین عاملی در یکی از انواع تقسیم‌بندی‌های خویش از قَسَم، آن را به پنج دسته طبقه‌بندی کرده است که دسته اول آن واجب است؛ همچون سوگندخوردن برای خلاصی مسلمان یا مال او یا عرض او از دست ظالم یا دفع ظلم از او و اگر در این صورت، توریه کند که از دروغ خلاص شود، بهتر است (عاملی، [بی‌تا]، ص ۱۹۳).

۲-۳. مشورت در تصمیم‌های مهم

انسان، موجودی اجتماعی است و نمی‌تواند برای همه امور خود به تنهایی و بدون مشورت، برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی کند؛ بنابراین در همه عرصه‌های زندگی - خانوادگی، کسب‌وکار، دوستی و آشنایی - برای کسب موفقیت و پیشگیری از بزه‌دیدگی، نیازمند مشورت با افرادی است که معلومات و تجربه لازم در زمینه‌های مورد نظر را دارند. بر این اساس، مشورت از مهم‌ترین مسائل ارتباطات

اجتماعی به شمار می‌رود که بدون آن، تصمیم‌گیری‌ها ناقص می‌باشد. در این باره، عدم مشورت حقوقی پیش از قرارداد و اقدامات حقوقی، از مهم‌ترین عوامل بزه‌دیدی محسوب می‌شود.

قرآن کریم نیز مشورت را برنامه‌ای مستمر برای مؤمنان برشمرده است؛ نه تنها در یک کار زودگذر و موقت، بلکه می‌گوید همه کارهای آنها در میان‌شان به صورت شوری است: «... وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ...» [مؤمنان] کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست» (شوری: ۳۸).

یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی از منظر قرآن کریم، اصل شوری است که بدون آن، همه کارها ناقص می‌باشد؛ ولی هنگامی که مسائل در شوری مطرح گردد و عقل‌ها، تجارب و دیدگاه‌های گوناگون به کمک یکدیگر بشتابند، مسائل کاملاً پخته و کم‌عیب و نقص می‌گردد و از لغزش دورتر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۶۲).

افزون بر این، درجه اهمیت این مسئله تا جایی است که خداوند به پیامبر دستور می‌دهد در کارها با امت خویش مشورت نماید. * پیامبر نیز می‌فرماید: «ما یستغنی رجُل عن مشورة: هیچ‌کس از مشورت بی‌نیاز نیست» (ابن هشام، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۷۵).

گاهی افراد با تصمیمی نسجیده و بدون در نظر گرفتن همه جوانب آن، زمینه بزه‌دیدی خویش را فراهم می‌آورند. چه بسا بزه‌کاران بالقوه‌ای که با توجه به کم‌تجربگی یا نداشتن معلومات لازم، افراد آنها را به عنوان آماجی مناسب به خصوص برای بزه‌دیدی‌های مالی یا جنسی مورد شناسایی قرار می‌دهند و اینجاست که افراد با

* «وَأَمْرُهُمْ فِي الْأَمْرِ»؛ گرچه کلمه الأمر، مفهوم وسیعی دارد و همه کارها را شامل می‌شود؛ ولی مسلم است که پیامبر هرگز در احکام الهی با مردم مشورت نمی‌کرد، بلکه در آنها فقط تابع وحی بود؛ بنابراین مورد مشورت، فقط نوع اجرای دستورات و چگونگی اجرایی کردن احکام الهی بود و به عبارت دیگر، پیامبر در قانونگذاری، هیچ‌گاه مشورت نمی‌کرد و فقط در نوع اجرای قانون، نظر مسلمانان را جویا می‌شد. بر این اساس، گاهی که پیامبر پیشنهادی را طرح می‌کرد، مسلمانان نخست می‌پرسیدند آیا این حکم الهی است؟ و یک قانون است که قابل اظهار نظر نباشد یا به چگونگی تطبیق قوانین مربوط است؟ اگر از نوع دوم بود، اظهار نظر می‌کردند و اگر از نوع اول بود، تسلیم می‌شدند (مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۱۴۳).

مشورت گرفتن از مشاوره شایسته درباره چگونگی برخورد بزهکاران و خواسته‌های آنان به ویژه در جرم‌هایی که بزهکار باید با برنامه‌ریزی پیش برود، با عکس‌العملی مناسب می‌تواند از بزه‌دیدگی خود پیشگیری نمایند. امیر مؤمنان در این باره می‌فرماید: «مَا عَطِبَ مَنْ اسْتَشَارَ وَ مَنْ لَمْ يَسْتَشِرْ يَنْدُمْ؛ کسی که مشورت کند، هلاک و نابود نمی‌شود و هرکس مشورت کند، پشیمان نمی‌شود» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۳۴۱-۳۴۲).

۴-۲. ضرورت تحقیق در خبر غیرموثق

از جمله تدابیر احتیاطی قرآن کریم در جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی، سفارش اکید بر هوشیاری نسبت به اخباری است که از منابع غیرموثق شنیده می‌شود. اساس زندگی اجتماعی برپایه اعتماد به اخبار و ترتیب اتردادن به آنهاست و بنای عقلا و مدار عملکرد آنان نیز بر قبول خبری است که اگر برای انسان یقین‌آور (خبرمتواتر یا توأم با قراین قطعی) نیست، دست‌کم وثوق و اطمینانی بیاورد؛ یعنی یا به حسب نوعش خبری وثوق‌آور باشد؛ مانند خبری که متخصص یک فن به ما می‌دهد، یا به حسب شخصش وثوق‌آور باشد؛ مثلاً شخص آورنده خبر، مورد وثوق ما باشد، که عقلا بنا دارند بر این خبر نیز ترتیب اثر دهند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۳۱۱). بر همین مبناست که عقلا خبری غیر از اینها را غیرموثق و غیرقابل اعتماد می‌دانند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر فاسقی نزد شما خبر مهمی آورد، خبرش را تحقیق و پیرامون آن بحث و فحص کنید، تا به حقیقت آن واقف شوید، تا مبادا بدون جهت و به نادانی بر سر قومی بتازید و بعداً از رفتاری که با آنان کرده‌اید، پشیمان شوید (حجرات: ۶).

در آیه مذکور، «بجهالة» حال بوده، به معنای افرادی است که از حقیقت بی‌خبرند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۵۲)؛ زیرا آیه شریفه دستور به تحقیق و بررسی خبر فاسق را داده است و رفع جهالت و حصول علم نسبت به خبر اوست و این احتیاط،

راهکاری برای پیشگیری از بزه‌دیدگی افراد جامعه می‌باشد؛ زیرا تکیه و عمل بر اخبار غیرموثق بدون آگاهی از صحت و سقم آن، بسیار خطرناک است و می‌تواند حیثیت و حقوق اشخاص را به خطر بیاندازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۵۶) و بزه‌دیدگی آنانرا به همراه داشته باشد.

ذکر «نادمین» در انتهای آیه، این نکته را روشن می‌سازد که اگر به کذب بودن خبر علیه دیگری علم و آگاهی یابند، زمینه بزه‌دیدگی وی را ایجاد نخواهند کرد.

نتیجه

توجه ویژه سیاست جنایی اسلام به مسئله پیشگیری از بزه‌دیدگی، ما را به بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های تعالیم اسلامی و به ویژه آیات قرآن کریم در این باره رهنمون می‌سازد. در اندیشه اسلامی، تدابیر عامی که زیربنای جامعه را نشانه گرفته‌اند و بر اصلاح محیط فرهنگی و اقتصادی تأکید دارند، در کنار تدابیری که بر به حداقل رساندن موقعیت‌های بزه‌دیدگی تلاش دارند، به وفور دیده می‌شود. براساس آموزه‌های دینی در جهت مبارزه با وقوع بزه‌دیدگی می‌توان به ارائه پیشنهادهایی پرداخت:

۱. بسترسازی اجتماعی از راه آموزش همگانی و آگاهی‌بخشی و ارتقای ارزش‌های اخلاقی، راهبردهای عام قرآن در جهت پیشگیری از گونه‌های مختلف بزه‌دیدگی اند.
۲. قرآن کریم آموزش ویژه به افراد در معرض بزه‌دیدگی را به منظور فراگیری مهارت‌های خودایمن‌سازی در برابر جرایم، ضروری می‌داند. امروزه این آموزش‌ها به شکل‌های گوناگون، از راه رسانه‌ها و مدارس قابل اعمال‌اند. به‌علاوه، آموزش‌های رایگان حقوقی و اجتماعی به زبان ساده به کودکان یا سالمندان در پارک‌ها یا فرهنگ‌سراهای محله‌ها نیز مفید به نظر می‌رسد؛ به عنوان مثال، از آنجا که عدم آگاهی سالمندان از مقررات ارث پس از فوت همسر می‌تواند چالش‌هایی را در زندگی این عزیزان به وجود آورد، آموزش‌های لازم در این باره به آنها ضروری است.
۳. از آنجا که از منظر اسلام، آموزش و اطلاع‌رسانی از اصول اولیه برای پیشگیری

از بزه‌دیدگی است، ایجاد رشته‌های تخصصی و تربیت نیروی کارآمد در جهت آموزش مسائل محوری به افرادی همچون کودکان و سالمندان یا اشخاصی که حفاظت از آنان را برعهده دارند، پیش‌شرط اولیه است.

۴. دفاع از مظلومان و یاری‌رسانی به افراد در معرض بزه‌دیدگی، به عنوان وظیفه و تکلیف شرعی قلمداد شده است؛ بنابراین اعزام مرتب بازرس به مراکز نگهداری سالمندان یا کودکان بی‌سرپرست، نظارت بر رفتار مراقبان، یا تعیین شماره تلفن و پیامک برای گزارش موارد خشونت‌های خانگی و بررسی و پیگیری آنها به وسیله مددکاران زبده، از الزامات می‌باشد.

۵. در همین جهت، علاوه بر کمک‌های مردمی، دولت نیز باید بودجه بیشتری برای این مهم پیش‌بینی کند. پشتیبانی مادی و معنوی دولت از نهادهایی که به منظور حمایت از اقشار آسیب‌پذیر بنیان می‌شوند، برای ادامه حیات این‌گونه نهادها امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

۶. تمرکز بر زمینه‌سازی فرهنگی در جهت ارتقای ارزش‌های اخلاقی حاکم بر جامعه همچون حفظ اسرار دیگران یا کنترل خشم، ضامن امنیت و سلامت جسمی و روحی افراد جامعه است؛ بنابراین راهکارهایی مانند موارد ذیل، خالی از فایده نخواهد بود: انتخاب و تشویق خوش‌برخوردترین و صبورترین کارمند یا کسبه از دید مراجعان در ادارات یا خریداران و حتی انتخاب و تنبیه کارمند یا کسبه بدخلق.

۷. سیاست جنایی اسلام در حمایت از بزه‌دیده فقط به مجازات محدود نمی‌شود. دیدگاه اسلام، دفع بدی به بهترین شکل آن است؛ بدین معنا که علاوه بر مجازات بزهکار، با راهکارهای دیگری از جمله عفو و بخشش و حتی با کمک به بزهکار، از بزه‌دیدگی‌های مکرر جلوگیری به عمل خواهد آمد.

۸. بزه‌دیدگان می‌توانند با نوع عملکرد و کردارشان در تسهیل شکل‌گیری فرآیند مجرمانه علیه خود، نقش داشته باشند؛ بنابراین رعایت احتیاط به وسیله خود اشخاص در مواجهه با افعال مجرمانه و کاهش موقعیت‌های بزه‌دیده‌زا، به عنوان تدبیری

پیشگیرانه مدنظر سیاست جنایی اسلام است؛ به عنوان مثال، مشورت از مؤکدات دین مبین اسلام می‌باشد. دسته‌بندی امور حقوقی به «خیلی مهم»، «مهم»، «معمولی» و «نه‌چندان مهم» و اجباری کردن مشاوره حقوقی پیش از انجام امور «خیلی مهم» و «مهم» نیز در پیشگیری از بزه‌دیدگی‌های کلان کارگشاست.

۹. از جمله تدابیر احتیاطی قرآن کریم در جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی، سفارش اکید بر هوشیاری نسبت به اخباری است که از منابع غیرموثق شنیده می‌شود. ثمره تسهیل امر تحقیق، کاهش بزه‌دیدگی است؛ به عنوان مثال، ایجاد سایت‌های اینترنتی رسمی و موثق به منظور اطلاع‌رسانی حقیقی و اعلام شفاف مراکز مجاز و قانونی برای انجام اعمال حقوقی، تجاری و هر عملی که به تشخیص مراجع ذی‌صلاح، اعتماد به آنها بدون تحقیق، زمینه‌ساز بزه‌دیدگی اشخاص خواهد بود.

منابع

- * قرآن کریم.
- ** نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی؛ ج ۱۰، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
۱. آشوری، محمد و شهلا معظمی؛ «نگاهی به پدیده همسرکشی در استان فارس»؛ مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی؛ تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۵۸، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۱-۳۲.
 ۲. ابراهیمی، شهرام؛ جرم‌شناسی پیشگیری؛ ج ۱، چ ۱، تهران: میزان، ۱۳۹۰.
 ۳. ابن زکریا، احمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ ج ۲، قم: مکتب‌الاعلام‌الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
 ۴. ابن هشام، ابو محمد؛ سیرة النبویه؛ ج ۳، چ ۶، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۸ق.
 ۵. انصاری دزفولی، مرتضی؛ المکاسب؛ ج ۲، چ ۱، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
 ۶. —؛ رسائل فقهیه؛ ج ۱، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۴ق.
 ۷. بابازاده، علی‌اکبر؛ زمینه‌های فساد در جامعه و راه درمان؛ چ ۱، قم: انتشارات قدس، ۱۳۷۱.
 ۸. بطحایی، هاشم؛ «تقیه و جایگاه آن در احکام عبادی و حقوقی»؛ مجله مجتمع آموزش عالی قم؛ ش ۱۲، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۸۷-۲۰۶.
 ۹. بهجت، محمد تقی؛ توضیح المسائل؛ چ ۶، قم: دفتر حضرت آیت‌الله العظمی بهجت، ۱۳۷۵.
 ۱۰. پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحة؛ تهران: علمی، ۱۳۸۲.
 ۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ ترجمه محمدعلی انصاری؛

- تصحیح مهدی انصاری قمی؛ چ ۵، قم: امام عصر (عج)، ۱۳۸۷.
۱۲. توجهی، عبدالعلی؛ «جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران»؛ رساله دکتری؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.
۱۳. توجهی، عبدالعلی؛ «سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیدگان»؛ مجله مجتمع آموزش عالی قم؛ ش ۴، زمستان ۱۳۷۸، ص ۶۲۷-۴.
۱۴. جعفریان، رسول؛ رسائل حجاییه؛ چ ۲، قم: دلیل ما، ۱۴۲۸ق.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله؛ مبادی اخلاق در قرآن کریم؛ چ ۱، قم: اسراء، ۱۳۷۸.
۱۶. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی؛ «اصلاح و درمان مجرمان در سیاست جنایی اسلام و ایران»؛ رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی؛ دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۱۷. —؛ «امربه معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی»؛ فقه و حقوق؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۱، تابستان ۱۳۸۳، ص ۷۷-۱۰۸.
۱۸. حرّ عاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعة؛ ج ۱، ۲، ۱۲، ۱۵، ۱۶ و ۲۸، چ ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
۱۹. حسینی همدانی، محمدحسین؛ انوار درخشان؛ ج ۳ و ۴، چ ۱، تهران: کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
۲۰. حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین‌بن‌احمد؛ تفسیر اثنا عشری؛ ج ۷ و ۱۱، چ ۱، تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳.
۲۱. حلّی (محقق)، جعفر بن حسن؛ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام؛ ج ۴، چ ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۲۲. حلّی، حسن بن یوسف؛ تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین؛ ج ۲، چ ۵، ترجمه ابوالحسن شعرانی؛ تهران: منشورات اسلامیة، ۱۴۱۹ق.
۲۳. خمینی، سیدروح‌الله؛ شرح چهل حدیث؛ چ ۵۰، قم: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام، ۱۳۸۷.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن‌الکریم؛ چ ۶، قم: ذوی‌القربی، ۱۳۸۸.

۲۵. سیوری حلی، مقدادبن عبدالله؛ *کنزالعرفان فی فقه القرآن*؛ ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی؛ ج ۲، چ ۱، قم: پاساژ قدس (پلاک ۱۱۱)، ۱۴۲۵ق.
۲۶. شریعتی، صدرالدین و مرتضی کرمی؛ «رویکردها و مهارت‌های کنترل خشم براساس آموزه‌های اسلام»؛ *فرهنگ مشاوره*؛ تهران: دانشکده روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۳، پاییز ۱۳۸۹، ص ۷۳-۱۰۰.
۲۷. صادقی، سهیلا و زهرا میرحسینی؛ «بررسی عوامل مؤثر بر بزهدیدگی زنان شهر تهران»؛ *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، ش ۱، بهار ۱۳۹۰، ص ۳۵-۶۲.
۲۸. صدوق قمی، محمدبن علی بن بابویه؛ *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*؛ چ ۲، قم: دارالشریف الرضی للنشر؛ ۱۴۰۶ق.
۲۹. —؛ *معانی الأخبار*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۳۰. —؛ *من لایحضره الفقیه*؛ ترجمه علی‌اکبر غفاری و دیگران؛ چ ۲، چ ۱، تهران: نشر صدوق، ۱۴۰۹ق.
۳۱. صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ *آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*؛ تهران: انتشارات آن، ۱۳۸۳.
۳۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۲، ۱۰ و ۱۸، چ ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن؛ *جوامع الجامع*؛ ج ۱، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.
۳۴. —؛ *مجمع البیان*؛ ج ۹، چ ۳، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
۳۵. طیب، عبدالحسین؛ *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۴، چ ۲، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.
۳۶. عاملی، بهاء‌الدین؛ *جامع عباسی*؛ تهران: انتشارات فراهانی، [بی‌تا].
۳۷. عوده، عبدالقادر؛ *التشريع الجنایی الإسلامی*؛ ج ۱، چ ۲، تهران: قسم‌الدراسات الإسلامية فی مؤسسة البعثة، ۱۴۰۲ق.

۳۸. فیض کاشانی، محمد محسن؛ رسائل فیض کاشانی؛ ج ۱، چ ۱، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۴۲۹ق.
۳۹. —؛ راه روشن؛ ترجمه محمد صادق عارف؛ ج ۵، چ ۱، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ق.
۴۰. قدسی، ابراهیم و رضا سجودی؛ «عفو در حقوق کیفری ایران و بررسی فقهی آن»؛ فصلنامه مطالعات اسلامی؛ مشهد: دانشکده الهیات شهید مطهری دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۷۵، بهار ۱۳۸۶، ص ۱۳۱-۱۷۴.
۴۱. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ ج ۲ و ۶، چ ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن کریم، ۱۳۸۳.
۴۲. —؛ گناه‌شناسی؛ چ ۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن کریم، ۱۳۸۶.
۴۳. قنبری هاشم‌آبادی، بهرام‌علی؛ «مقایسه هوش هیجانی در کودکان پرورشگاهی با کودکان عادی»؛ روانشناسی تربیتی؛ تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی - دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۲۱، پاییز ۱۳۹۰، ص ۷۳-۹۰.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق: علی‌اکبر غفاری؛ ج ۲ و ۸، چ ۴، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۴۵. کمره‌ای، محمد باقر؛ آداب معاشرت؛ ج ۲، چ ۱، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۴.
۴۶. کی‌نیا، مهدی؛ علوم جنایی؛ جامعه‌شناسی جنایی؛ ج ۳، چ ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
۴۷. —؛ مبانی جرم‌شناسی؛ ج ۲، چ ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۴۸. گسن، ریمون؛ جرم‌شناسی کاربردی؛ ترجمه مهدی کی‌نیا؛ چ ۱، تهران: انتشارات علامه طباطبایی، ۱۳۷۰.
۴۹. لپز، ژرار و زینا فیلیزولا؛ بزهدیده و بزهدیده‌شناسی؛ ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، چ ۱، تهران: مجد، ۱۳۷۹.
۵۰. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار؛ ج ۱۲، ۷۴ و ۷۵، چ ۱، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

۵۱. محدث نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ تصحیح گروه پژوهش مؤسسه آل‌البیت، ج ۸، چ ۱، بیروت: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ق.
۵۲. مفید، محمدبن‌محمد؛ الإختصاص؛ ترجمه حسین صابری؛ چ ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۸.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ ج ۲، ۳، ۱۴، ۱۹ و ۲۰، چ ۱، تهران: دارالکتب‌الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۵۴. منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی؛ مبانی فقهی حکومت اسلامی؛ ج ۴، چ ۱، ترجمه محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری؛ قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ق.
۵۵. موسوی خویی، ابوالقاسم؛ مصباح‌الفقاهه؛ ج ۱، چ ۱، قم: داوری، ۱۳۷۷.
۵۶. میرخلیلی، محمود؛ پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام؛ چ ۱، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
۵۷. نجاتی، محمدعثمان؛ قرآن و روانشناسی؛ ترجمه عباس عرب؛ چ ۴، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
۵۸. نجفی‌ابرنادآبادی، محمدحسین؛ تقریرات درس جرم‌شناسی (بزه‌دیده‌شناسی - علت‌شناسی)، دوره کارشناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۸۶.
۵۹. نراقی، مهدی‌بن‌ابی‌ذر؛ جامع‌السعادات؛ تصحیح محمد کلانتر؛ ج ۱، چ ۶، بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۶۰. هادوی تهرانی، مهدی؛ ساختار کلی نظام اقتصادی در قرآن؛ چ ۱، قم: انتشارات خانه خرد، ۱۳۸۸.
۶۱. هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر؛ تفسیر راهنما؛ ج ۱۷، چ ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱.



62. *Herschel, Prins; Criminal Behavior: An Introduction to Criminology and the Penal System; London: Tavistock Publications, 2nd Edition, 1982.*
63. *Lewis, Micheal; et. al. Handbook of Emotions; New York: The Guilford Press, 2nd Edition, 2000.*